

گفتمان مردم افغانستان پیرامون صلح



گفتمان مردم- بحث گروهی در غرب افغانستان، 2011

گذاشتن تهادی برای پروسه فراگیر صلح

دسامبر 2011/ قوس 1390



فهرست مطالب

3	I. پیشینه – گذاشتن تهدابی برای پروسه فراگیر صلح.....
4	II. مبانی کلیدی رسیدن به صلح.....
4	راه اندازی یک پروسه تحت رهبری افغانها و وحدت ملی.....
5	III. مولفه‌های صلح پایدار.....
5	ایجاد امنیت.....
6	ارتقای ساختارهای امنیتی و ظرفیت ملی.....
7	(2) ضرورت به مهار فساد، بی عدالتی و عدم حاکمیت قانون.....
8	(3) تحقق رونق اقتصادی و عدالت اجتماعی.....
10	(4) حمایت و ترویج حقوق بشر.....
11	IV. چگونگی دستیابی به صلح و مصالحه.....
11	نیاز به شامل کردن شورشیان و طالبان در اعمار صلح.....
12	نیاز به شامل کردن مردم عادی افغانستان در پروسه صلح.....
13	نیاز به شامل کردن زنان در پروسه صلح و حمایت از حقوق زنان.....
14	خصوصیات مجریان پروسه صلح: بیطرف، درستکار، مستقل، آگاه در مورد صلح و جنگسالار نبودن.....
15	نتیجه گیری و سفارشات مردم.....
15	سفارشات مردم:.....
15	به حکومت جمهوری اسلامی افغانستان.....
16	به جامعه جهانی.....
17	به مخالفان مسلح.....
17	به جامعه مدنی افغانستان.....

1. پیشینه - گذاشتن تهادی برای پروسه فراگیر صلح

گفتمان افغانها پیرامون صلح (گفتمان مردم) یک ابتکاریست که در آن مردم عادی افغانستان میتوانند دیدگاه های شان را از طریق مباحثات فراگیر مردمی روی جوانب صلح، آشتی، امنیت، اقتصاد، پیشرفت، حقوق بشر و حاکمیت قانون بیان نمایند. سیزده نهاد/ شبکه جامعه مدنی راه اندازی این مباحثات مردمی را متقبل گردیده و به آن پرداختند تا باشد آنچه را که مشارکت کنندگان به حیث "فاصله میان اجتماعات مردمی، حکومت و جامعه بین المللی" بیان داشته اند، به هم وصل سازند.¹

گفتمان مردم هدف دارد تا اطمینان حاصل کند که مردم افغانستان با آرایه آگاهی از پروسه صلح و آشتی ملی توانمند ساخته شده، نگرانی از نارضایتی های بجای مردم شنیده می شوند و آنرا از طریق پالیسی سازان در تمام پروسه ها و برنامه ها برای رسیدن به صلح پایدار در افغانستان تقویت بخشیده و یکجا سازند.

با حمایت از فراگیر بودن هر برنامه صلح در آینده، گفتمان مردم تلاش می ورزد تا مشارکت وسیع مردم افغانستان و وسیع ترین طیفی از افکار را تضمین نماید. در جریان ماه اکتوبر 2011 میلادی 78 مباحث گروهی در 31 ولایت افغانستان با مشارکت بیش از 1500 تن مردان و زنان³ افغان و جوانان برگزار گردید. مباحث مردان و زنان افغان از گروه های مختلف قومی و از همه جریانات حیات اجتماعی بشمول کارمندان خدمات عامه، زارعین، صاحبان تجارت، نماینده گان جامعه مدنی، بشمول نهادهای زنان، افراد بی روزگار، نماینده گان جوانان و اقوام، و نماینده گان اجتماعات، خانم های خانه، نماینده گان علما و شوراهای زنان، دانشمندان مذهبی، متخصصین صحتی، کارگران، فعالین جامعه مدنی، ژورنالیستان، قربانیان جنگ، هنرمندان و جنگجویانی که به پروسه صلح و ادغام مجدد پیوسته اند، را شامل می گردید.

گزارش حاضر فشرده ای از نکات کلیدی و نگرانی هایی را آرایه می دارد که توسط بیش از 1500 تن مردان و زنان افغان که در گفتمان مردم شرکت ورزیده اند، ایراد گردیده است. جامعه مدنی افغانستان می خواهد از طریق این گزارش صدای مردم افغانستان را به کنفرانس بین المللی بن در آلمان (5 دسامبر 2011) برساند، در تلاش برای حصول اطمینان از اینکه دیدگاه ها، نگرانی ها و خواسته های عامه مردم افغانستان شنیده شده و مورد توجه تصمیم گیرنده گانی قرار می گیرد که نکات مهم مرتبط با صلح و ثبات در آینده افغانستان را در بن بازتاب می دهند.

دیدگاه های بازتاب یافته در این گزارش منحصر به مردان، زنان و جوانان افغانی اند که در این گفتمان شرکت داشته اند.

¹ یک کمیته گرداننده فعالیت گفتمان مردم را رهبری نمود که اعضای آن عبارتند از: مجتمع جامعه مدنی افغانستان (ACSF)، شبکه حقوق بشر و جامعه مدنی افغانستان (ACSHRN)، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC)، اتحادیه ملی کارکنان افغانستان (AMCA)، سازمان حقوق بشر و محیط زیست افغانستان (AOHREP)، شبکه زنان افغانستان (AWN)، مرکز انکشاف مهارت های زنان افغان (AWSDC)، سازمان اجتماعی فرهنگی جوانان افغانستان (AYSCO)، مرکز توسعه جامعه مدنی (CSDC)، مرکز انکشاف و آگاهی مردم سنایی (SDO)، گروه هماهنگی عدالت انتقالی (TJCG)، بنیاد آرمان شهر و مشارکت سیاسی زنان/کمپاین 50% (WPPC). اعضای کمیته گرداننده دفاتر شان را در زونها/ولایات و همچنان اعضای شبکه های شان را در تسهیل مباحث گروهی بکار گرفتند. دفتر هیئت معاونت ملل متحد UNAMA با کمیته گرداننده در تسهیل این مباحث همکاری نمود.

² گفتمان ها در ولایات بامیان، بغلان، بدخشان، بادغیس، دایکندی، فاریاب، فراه، غزنی، غور، هرات، جوزجان، کابل، کاپیسا، کندز، کندهار، خوست، کنر، لغمان، لوگر، مزار شریف، ننگرهار، نیمروز، نورستان {مدعوین به شهر جلال آباد سفر نمودند}، پنجشیر، پکتیکا، پکتیا، سر پل، سمنگان، تخار، ارزگان و زابل برگزار گردید.

³ بیشتر از 500 تن از زنان در گفتمان ها و مباحثات در سرتاسر کشور شرکت ورزیدند.

II. مبانی کلیدی رسیدن به صلح

راه اندازی یک پروسه فراگیر: دخیل ساختن افغانهای عادی

"هیچ کسی به سخن مردم گوش نداده و صدای ما را نمی‌شنود"

مردم در سرتاسر کشور ابتکار گفتمان مردم را استقبال نموده و بیان کردند که این نخستین باری است که دیدگاه‌های آنها در مورد صلح، ثبات و آینده افغانستان پرسیده می‌شود. دیدگاهی که همواره تکرار می‌گردید این بود که مردم بطور کافی آگاه ساخته نمی‌شوند و یا هم در ابتکاراتی که بمنظور ایجاد صلح میباشد، دخیل ساخته نمی‌شوند.

"تا کنون حکومت میکانیزمی را مهیا نساخته که عامه مردم را در پروسه صلح شریک ساخته و حمایت آنها را با خود داشته باشد."

بسیاری از مردم نظر دادند که برای جامعه مدنی فرصت محدودی داده شده است که در پروسه صلح همکار باشند و تعدادی از گروه‌های معین، به ویژه زنان و جوانان، در مجموع همیشه از این پروسه محروم نگهداشته شده‌اند. یک محصل از ولایت زابل نظرش را که در سرتاسر کشور انعکاس داشته، چنین بیان کرده است:

"حکومت باید سلوک خود را تغییر دهد و مجامع مدنی را در برنامه‌های مشورتی دعوت نماید، آنها باید تلاش‌های صلح را مطابق خواست مردم ملکی برنامه ریزی کنند {...} در مجموع هر افغان بنوبه خود می‌تواند یک نقش حیاتی را بازی نماید تا صلح و ثبات را به افغانستان بیاورد، اما هیچ کس به ما و دیدگاه‌های ما توجه نمی‌کند. برخی مردم از بیرون روش‌هایی را تحمیل می‌کنند تا صلح و ثبات را بیاورند، در حالیکه آنها از شرایط زندگی مردم در نقاط دور دست آگاهی ندارند."

در ولایت لوگر اشتراک‌کنندگان با این نظر که توسط مجموعه‌ای از مردم ابراز گردید، هم‌نوا بودند که "فاصله عمیقی میان حکومت و مردم ایجاد شده است، رهبران ما نمی‌خواهند با ما نزدیک باشند، در چنین شرایطی ما نمی‌توانیم حتی به صلح بیانده‌شیم." بسیاری از مردم نکات مشابهی را در سرتاسر کشور بیان داشتند.

تقریباً در تمام مباحث، مردان و زنان خواست‌شان را مبنی بر ایفای نقشی در ایجاد صلح تصریح کردند. بطور نمونه مردم گفتند که آنها مشتاق‌اند بمثابه اعضای جامعه مدنی، بمثابه جوانان، بمثابه معلمین و یا محض به حیث شهروند عادی افغان نقشی را در ایجاد صلح در کشور بازی نمایند. چنانچه یک معلم چنین بیان نمود: "حمایت اجتماعات مردم قدرت بزرگی برای حکومت است."

بعضی از مردم بطور مشخص تذکر دادند که کنفرانس بن یک رویداد مهم است. به عنوان مثال در زون غرب، زنان و مردان بیان داشتند که کنفرانس بن اول علاقه‌مندی‌های شخصی جنگ سالاران و کسانی را که مسوول ناامنی در افغانستان هستند را تقویت نمود. آنها گفتند که کنفرانس بن دوم باید نظر مردم را بگیرد نه از جنگ سالاران را.

این دیدگاه که "جامعه مدنی پلی است میان حکومت و مردم" در تمام مباحث مطرح گردید.

"ما از جامعه مدنی می‌طلبیم تا صدای ما را به کنفرانس بن که در راه است، برسانند."

{ یک باشنده ولسوالی آبکمری ولایت بادغیس }

راه اندازی یک پروسه تحت رهبری افغانها و وحدت ملی

در بسیاری از مباحث مردم قویاً به این نظر بودند که پروسه صلح حتماً باید تحت رهبری افغانها باشد. این دیدگاه بحیث یک امر ضروری و مشروط یاد آوری گردیده تا طالبان و سایر گروه‌های مسلح را به گفتگوی صلح بکشاند. بسیاری از مردم همچنان به این نظر بودند که ضروری است که هر پروسه معیارهای اسلامی را بازتاب دهد و اینکه یک میانجیگری موفقیت‌آمیز تنها می‌تواند توسط میانجیگران مسلمان ایفا گردد.

در ولایت کاپیسا اعضای اجتماعات مردم حمایت‌شان را از کمک‌های بین المللی ابراز داشتند ولی همچنان اصرار داشتند که این کمک‌ها باید بدون مداخله باشد. آنها بیان داشتند که: "افغانستان یک کشور مستقل است و این پروسه صلح باید توسط افغانها رهبری گردد." این نظر دیدگاه کلی را در این زمینه در سرتاسر کشور نشان می‌دهد.

با در نظر داشت این که هر یک از گفتگوها پیرامون صلح گفتگوهای اند برای آینده افغانستان، بسیاری از افغانها اعم از زن و مرد بیان داشتند که افغانستان نیازمند است تا بیشتر مستقل گردد. در ولایت لوگر بطور مثال مردم اصرار داشتند که "افغانستان باید مستقل باشد، ما نمی‌خواهیم که جامعه بین‌المللی تمام امور کشور را کنترل نماید."

ضرورت وحدت ملی و ضرورت تقویت وحدت ملی توسط هر برنامه صلح در تعدادی از گفتگوها مورد بحث قرار گرفت.

"اگر ما می‌خواهیم که صلح واقعی را ببینیم ما به وحدت ضرورت داریم، هر گاه ما به منافع یک گروپ مشخص نظر داشته باشیم ما نمی‌توانیم کاری بکنیم."

{ نماینده مجتمع زنان، ولایت خوست }

در برخی از مناطق مسئله وحدت ملی به حقوق اقلیت‌ها مرتبط دانسته شد. دهاقین، دکانداران و اعضای شوراهای زنان در ولایت دایکندی با این نظر که هر برنامه صلح بشمول گفتگوها و مذاکرات با گروه‌های مخالف باید منطبق با منافع تمام گروه‌های قومی افغانستان باشد، اظهار نظر و توافق داشتند.

به همین گونه معلمین و نماینده‌گان یک نهاد جوانان در ولایت نیمروز گفتند: "حقوق اقلیت‌ها از جمله اولین قربانیان جنگ در 30 سال گذشته بوده است، ما باید توجه خاصی را به این مبذول داریم. این برای بسیاری مردم در افغانستان مهم است."

III. مولفه‌های صلح پایدار

در تمام 78 مباحثی که در تمام حصص افغانستان براه افتاد، افغان‌ها اعم از زن و مرد به آنچه که مهمترین اجزای صلح با ثبات گفته می‌شود، پرداختند. آنها بیان داشتند که وخیم‌تر شدن اوضاع امنیتی، بی‌عدالتی و نبود حاکمیت قانون، فقدان انکشاف اقتصادی، فساد گسترده در بین ادارات دولت و مقامات تنفیذ قانون، کیفیت پایین ارائه خدمات مانند معارف و صحت، بیکاری گسترده، حمایت ناچیز از رعایت حقوق بشر و حقوق زنان، تبعیض، یکجا با مداخله کشورهای خارجی در امور داخلی افغانستان به ویژه کشورهای همسایه عوامل عمده تداوم جنگ و بی‌ثباتی در افغانستان می‌باشد. مردم قویاً اظهار داشتند که دولت نیازمند است تا این عوامل را به حیث اجزای اساسی برای رسیدن به صلح پایدار در نظر گیرد.

یک خانم خانه از ولایت کندهار احساس عمومی‌ای را تبارز داد که تقریباً در همه گفتگوها به آن اشاره شده است:

"صلح بمعنی کشتن مردم بی‌گناه و سوء استفاده از منابع این کشور نیست. صلح بمعنی کار کردن، دست بدست دادن تمام مردم با هم یکجا، زن با زن... پاکستان با افغانستان، بین‌المللی و ملی و برادر با خواهر است. یکجا کار کنند تا کشور را بسازیم و سخت بکوشند تا معارف، اقتصاد و صحت را ارتقا دهند."

مردم به آنچه که ریشه‌های جنگ تصور می‌گردد تمرکز داشتند. برنامه‌هایی که به این عوامل رسیدگی نمایند می‌تواند همچنان پلان یا اهدافی برای آینده پروسه صلح ترسیم شود، چنانچه یک معلم از ولایت کابل گفته است: "جنگ در افغانستان مانند یک آفت مزمن است، هرگاه یک داکتر علت مریضی را نفهمد این مشکل خواهد بود تا آنرا تداوی کند. نخست ما باید علل و ریشه‌های جنگ را بدانیم، فقط در آنصورت قادر خواهیم بود تا راه حل را پیدا کنیم و تنها در آنصورت صلح خواهد آمد."

هر چهار اجزاء و یا پایه‌های یک صلح پایدار توسط تمام افغانها اعم از مرد و زن و جوان در گفتمان مردم مفصلاً ذیلاً بیان گردیده که شامل: ایجاد امنیت، برخورد در برابر فساد، بی‌عدالتی و فقدان حاکمیت قانون، واقعیینی انکشاف اقتصادی و عدالت اجتماعی و ترویج و حمایت از حقوق بشر، بشمول حقوق زنان، می‌باشد.

ایجاد امنیت

"تمام دنیا به افغانستان آمد اما نتوانستند امنیت را تامین کنند"

تقریباً تمام افغانها اعم از مرد و زن در تمام حصص مملکت که نظریات‌شان را در گفتمان مردم شریک ساختند، اظهار داشتند که از سال 2005 وضعیت امنیتی بتدریج رو به وخامت گذاشته است. وضعیت موجود وخیم بوده و هرروز روبه وخامت است. زنان در

کندهار گفتند که "وقتی که مردم بیرون از خانه می‌روند آنها متیقن نیستند که زنده برمی‌گردند یا نه". در بسیاری از زون‌ها مردم گفتند که شرایط امنیتی رو به وخامت نهاده و دولت تنها کنترل محدودی به مراکز ولسوالی‌ها دارد.

تعدادی از مردم از بخش‌های مختلف مملکت مثال کشته شدن رئیس جمهور سابق و رئیس شورای صلح آقای برهان الدین ربانی را در داخل منزلش در روز جهانی صلح به حیث یک میزان سنجش واضح نشان دادند که چگونه شرایط امنیتی روبه وخامت نهاده است. بسیاری مردم بیان نمودند که هرگاه فردی مانند وی نتواند محافظت شود پس توانمندی دولت در حفاظت مردم عادی قطعاً غم‌انگیز است.

در جریان بسیاری از مباحثات افغان‌ها تصریح نمودند که آنها احساس می‌نمایند که در بین اغتشاشگرانی که مردم ملکی را مورد هدف قرار داده، اعدام کرده و مردم بی‌گناه را گروگان می‌گیرند و بین قوت‌های بین‌المللی و افغان‌ها یک‌روشی‌های ناقص استخباراتی، مغایر کلتور و رسوم افغانی و دینی و مغایر حفاظت مردم ملکی مانند بمباران‌های هوایی، عملیات‌های شبانه، بازداشت‌های گسترده و توقیف‌های خودسرانه را بکار می‌برند، گیر مانده‌اند. بسیاری از افغان‌ها همچنان گفتند که تا زمانی که افغان‌های عادی خود را ناامن و مورد تهدید قوای نظامی احساس کنند، ناآرامی ادامه پیدا خواهد کرد.

مردم از قوای نظامی بین‌المللی خواستند تا عملیات‌های شبانه و نیز بازداشت‌های خودسرانه را متوقف سازند. در سرتاسر کشور افغان‌ها قویاً دیدگاهشان را بازتاب دادند که این چنین روشها جنگ را دامن زده و ناامنی را گسترش می‌دهد.

مردم همچنان با اتفاق آراء از عناصر مخالف دولت خواستند تا هدف قراردادن مردم ملکی، محلات بود و باش مردم، اماکن مقدسه و شفاخانه‌ها را متوقف کنند. نظر مردان و زنانی که در مباحثه در ولایت بغلان حضور یافته بودند در سراسر کشور بازتاب داشت:

"توقع ما از مخالفین مسلح این است که نباید به مردم ملکی در جریان جنگ صدمه برسانند و باید قانون جنگ را مراعات کنند. بر علاوه این ما را از مخالفین مسلح توقع داریم که اگر آنها واقعاً افغان هستند پس نباید اوامر بیرون کشور را بپذیرند و باید با دولت افغانستان بر سر صلح به موافقه برسند. آنها باید سلاح‌های خود را بگذارند و در بازسازی وطن ویران شده‌شان سهیم گردند."

افغانها بشمول مردان و زنان در سرتاسر کشور قویاً بر نقشی که کشورهای همسایه خصوصاً پاکستان و همچنان ایران در دست داشتن مستقیم در جنگ دارند، تاکید ورزیدند. آنها توافق داشتند که جامعه بین‌المللی باید بیشتر کار نمایند تا کشورهای همسایه را از مداخله در افغانستان بازدارند و بر پاکستان فشار وارد نمایند که از فراهم سازی پناهگاه‌های امن و حمایت از شورشیان دست بردارد، چنانچه یک بزرگ قوم در ولایت فراه پراسان نمود که: "چگونه این ممکن است که 40 مملکت کار می‌کند در افغانستان و نمی‌توانند اعمال یک کشور را مهار کنند." در جریان بسیاری از مباحثات در این موضوع پیشنهاد گردید که جامعه بین‌المللی باید بر پاکستان فشار بیشتر وارد سازد و خصوصاً بر سرویس استخباراتی پاکستان (ISI) تا مداخلاتش را در افغانستان قطع کند.

مردان و زنان همچنین از برنامه‌های مختلفی که در افغانستان بدون یک دیدگاه روشن برای صلح و ثبات و انکشاف اقتصادی اجرا می‌گردند، صحبت نمودند؛ آنچه که بطور عاجل نیاز است. چنانچه یک معلم زن از ولایت خوست اظهار داشت:

"یک استراتژی واحد برای افغانستان وجود ندارد. تنها کشورهای مختلف، افکار گوناگون و برنامه‌های مختلف وجود دارد. ما به یک برنامه واحد و یک مجموعه‌ای از اهداف نیاز داریم."

مکرراً افغانها این نظر را تبارز دادند که دولت و جامعه بین‌المللی باید با هم یکجا کار نمایند تا فاصله میان آنها و مردم عادی کاهش یابد. مردم گفتند این کمک خواهد کرد که صلح را آورده و مردم را از پیوستن به آشوبگران دلسرد ساخت.

ارتقای ساختارهای امنیتی و ظرفیت ملی

تقریباً تمام زنان و مردانی که در گفتمان ملی اشتراک نموده بودند، انکشاف یک دستگاه امنیتی کارا، موثر و متحد را که برای صلح و امنیت آینده و رونق اقتصادی حیاتی می‌باشد، منحصیث هدف مطلوب خویش بیان نمودند. عدم توانایی دولت در ارتقای ظرفیت نهادهای امنیتی تقریباً توسط همه اشتراک کنندگان به فساد اداری و رهبری ضعیف (ناشی از فساد اداری یا فقدان اشخاص تحصیل کرده و باسواد از رأس تا قاعده این نهادهای امنیتی) نسبت داده شد.

مسئله امنیت تنها به موثریت نهادهای دولتی نسبت داده نشد. به طور مثال در گفتگویی که در مناطق جنوب شرق صورت گرفت، این موضوع مطرح گردید که در سال 2001 امنیت نسبتاً خوب بود در حالیکه پولیس ملی و ارودی ملی در آن زمان خیلی ضعیف بودند.

مردم گفتند که وضعیت حاضر خیلی بدتر از آن زمان است. با آن هم مردم اتفاق نظر داشتند که نهادهای امنیتی قوی عنصر کلیدی برای بهبود صلح و امنیت می‌باشد. به طور مثال در ولایت ارزگان به دلیل "تغییر در رهبریت نهادهای امنیتی" امنیت کمی بهبود یافته است. مردم گفتند که فردی که در هرم نیروهای امنیتی یک منطقه قرار دارد، می‌تواند بر امنیت و حاکمیت قانون تاثیر داشته باشد. مردم مکرراً می‌گفتند که رهبریت فاسد نیروهای امنیتی عامل اساسی نا کارآمدی نهادهای امنیتی و به تبع آن ناامنی و عدم حاکمیت قانون می‌باشد.

راجع به حضور نیروهای بین المللی، بسیاری از مردم به این نظر بودند که جنگ و منازعه جاری فقط زمانی به پایان می‌رسد که نیروهای بین المللی از افغانستان خارج گردد. علی رغم این نگرانی، در مناطقی که جنگ بین نیروهای بین المللی و شورشیان به شدت جریان دارد، هنوز شک و تردید در قسمت توانایی نیروهای امنیتی دولتی در تامین امنیت در آنجا وجود دارد. یک تعداد از اشتراک کنندگان گفتند که جامعه بین المللی باید بر آموزش نیروهای امنیتی داخلی تمرکز نمایند.

نظریات مختلفی راجع به احتمال خروج نیروهای بین المللی در سال 2014 از افغانستان، ابراز گردید. تمام اشتراک کنندگان اتفاق نظر نداشتند که نیروهای بین المللی تا تحکیم صلح پایدار در افغانستان بمانند، نظریات گوناگون و متباعد اظهار گردید. در حالی که تعدادی از اشتراک کنندگان خواهان خروج نیروهای بین المللی بودند، تعدادی دیگر نسبت به عواقب احتمالی آن بدبین بودند. یک کارمند ریاست معارف در ولایت نورستان گفت: "عامل اساسی در جلوگیری از آمدن صلح حضور نیروهای بین المللی و جامعه بین المللی می‌باشد. من هم به این نظرم که اگر آنها افغانستان را ترک کنند، جنگ داخلی شروع خواهد شد". نظریات مشابه این، در سراسر افغانستان اظهار گردید.

2) ضرورت به مهار فساد، بی عدالتی و عدم حاکمیت قانون

نبود حاکمیت قانون "سرطان جامعه افغانستان می‌باشد".

{عضو شورا، ولایت کندز}

نبود حاکمیت قانون و عدالت و موجودیت فساد مخصوصاً در بین نهادهای تنفیذ قانون، موضوعی داغ بود که در تمام مباحث در سراسر افغانستان مطرح گردید. تقریباً تمام زنان و مردان افغان اذعان نمودند که فساد گسترده در تمام سطوح دولت عامل بدتر شدن امنیت می‌باشد. فساد، خصوصاً فساد در میان رهبری نهادهای امنیتی منحصراً یکی از چالش‌های عمده در راه تامین امنیت دانسته شد.

در سراسر افغانستان، مردم گفتند که قسمت بزرگی از کمک‌های جهانی توسط مقامات فاسدی که منافع خود را بر منافع جامعه و مملکت ترجیح می‌دهند، ضایع گردیده است. مردم گفتند بسیاری از کمک‌های جامعه جهانی که به افغانستان داده شد، نتوانست اهداف خویش را که تامین امنیت، توسعه و ارائه خدمات عامه می‌باشد، حاصل نماید. بسیاری از افغان‌ها گفتند که عدالت خشت سازنده تعمیر صلح می‌باشد، اگر عدالت تحقق یافت "سایر عناصر صلح تامین می‌گردد". در ذیل نظر یک اشتراک کننده کهن سال از ولایت نیمروز می‌باشد که توسط سایر اشتراک کنندگان در سراسر افغانستان نیز تکرار و تایید گردید:

"عدالت عامل اساسی و مهم در تمام جوامع می‌باشد، بناءً اگر ما در کشور صلح می‌خواهیم باید عدالت را تامین کنیم".

در غرب کشور مردم تأکید نمودند که فساد گسترده در تمام سطوح دولت باعث تشدید فقر شده است. زنان و مردان در این مناطق گفتند که فساد مانعی عمده در راه توسعه، حکومت داری خوب، امنیت مطمئن و ثبات سیاسی در افغانستان است. یکی از باشندگان ولسوالی آب کمری ولایت بادغیس نظری را بیان کرد که در سراسر کشور بیان گردید:

"ما از وضعیت جاری در این کشور واقعاً خسته شده‌ایم. همه فاسدان و برای مردم هیچ عدالت وجود ندارد. یک قاتل ممکن در بازار آزدانه قدم بزند و یک قربانی بی پناه بماند. ما هیچ کاری را کرده نمی‌توانیم. زنان بر اساس فیصله‌های محکمه صحرایی قبایلی و مردم محل کشته می‌شوند و دولت هیچ توجه به این مسائل ندارد".

در ولایت بدخشان که تعداد زیادی ولسوالی‌های دور افتاده دارد، مردم گفتند که در بسیاری از ولسوالی محاکم و سارنوالی‌ها وجود ندارند. برای حل و فصل منازعات خویش آنها مجبورند به میکانیزم‌های سنتی حل منازعات اتکا کنند. نگرانی‌ها راجع به سطح بالایی از فساد که ارگانهای تنفیذ قانون و قضاء را متأثر می‌سازد توسط بسیاری‌ها ابراز گردید که در اظهارات یک زن از ولایت بغلان که خدمات حقوقی ارائه می‌کند، میتواند خلاصه گردد:

"نهادهای تنفیذ قانون (پولیس، سارنوالی و محاکم) فاسدترین نهادهای دولتی می‌باشند. یکی از دلایل اینکه مردم هنوز به میکانیزم‌های سنتی حل منازعات چسبیده‌اند، فساد گسترده در درون نهادهای عدلی و قضایی افغانستان می‌باشد."

در جنوب، شکایت از عدم حاکمیت قانون بسیار شایع می‌باشد. بعضی‌ها این را به درگیری‌ها نسبت دادند و گفتند که "نظام عدلی و قضایی بسیار فاسد بوده و قانون تطبیق نمی‌گردد. اینها باعث می‌شود که مردم، خصوصاً مردم عادی که در ولسوالی‌های دور دست زندگی می‌کنند، ترجیح بدهند که قضایایشان را به سیستم قضایی طالبان راجع کنند."

یک عودت کننده در ولایت بامیان گفت "تطبیق قانون به فساد و رشوه خواری بستگی دارد". این نظر وی که قانون نه تنها توسط نهادهای عدلی و قضایی تطبیق نمی‌شود بلکه نقض می‌شود، در سراسر افغانستان تکرار گردید. آنها گفتند که تا زمانی که مردم رشوه نپردازند یا حمایتگر قدرتمند نداشته باشند، هیچ گونه عدالتی را دریافت نمی‌کنند. همینطور عدم احترام به قانون و بی‌مجازات ماندن (مصونیت) زورمندان نیز در بسیاری از مباحث تایید گردیدند. بسیاری از زنان و مردان گفتند که قانون فقط در روی کاغذ وجود دارد. آنها شکایت داشتند که مجرمین سرشناس و جنگ‌سالاران هنوز از حمایت‌های سیاسی هم در مرکز و هم در محل، برخوردارند. این وضعیت روی اعتماد مردم بر دولت‌شان، تاثیر منفی داشته و یکی از عواملی که فاصله بین دولت و ملت را بیشتر می‌سازد، شناخته شد، طوریکه توسط یک نفر در ولایت پنجشیر بیان گردید:

"در افغانستان یک خلای عمیق بین مردم و دولت بوجود آمده است. دولت در قبال رسیدگی به مشکلات مردم بی‌تفاوت می‌باشد. اگر رهبران ما به مردم توجه نکنند، مردم به قانون احترام نخواهند گذاشت."

آنها توافق نظر داشتند که "حتی قانون گذاران ما قانون شکنند" و گفتند "ما یک حکومت معتدل اسلامی می‌خواهیم".

موجودیت فساد و "خویش و قوم پرستی" (تبارگماری) یک مسئله تکراری روزانه می‌باشد. اظهارات یک دهقان از ولسوالی اچین ولایت ننگرهار و یک کارمند ریاست آب و برق در ولایت بادغیس، یک نگرش عمومی را نشان می‌دهد:

"برای بدست آوردن یک شغل با معاش مناسب باید رشوه بپردازیم. تمام پست‌های دولتی فروخته می‌شود. مردم بر اساس شایستگی‌شان استخدام نمی‌شوند". {یک دهقان از ولایت ننگرهار}

"زمانیکه بهترین شغل‌ها به دلیل فساد و روابط نه بر اساس قابلیت‌ها و شایستگی‌ها، توسط اشخاص بی‌لیاقت احراز می‌گردد، مردم رنج می‌برند. این باعث نارضایتی مردم، بی‌ثباتی دولت و ترویج فساد می‌گردد. فساد عامل اساسی حکومت داری ضعیف می‌باشد. این مردم نه به بزرگان احترام می‌گذارند و نه به قانون". {کارمند اداره آب و برق ولایت بادغیس}

در بسیاری از ولایات مردم تاکید داشتند که برای آوردن تغییر مثبت، کنفرانس «بن» پیش رو باید بر مبارزه علیه فساد، خصوصاً فساد در نهادهای عدلی و قضایی و تنفیذ قانون، تمرکز نماید طوریکه یک صراف در شهر جلال آباد اصرار می‌ورزد:

"اگر کنفرانس «بن» پیش رو مانند کنفرانس بن گذشته باشد، ما آنرا نمی‌خواهیم. تمام بدبختی‌های مردم افغانستان از همانجا شروع شد. {...} اگر فساد مهار نگردد و اگر حاکمیت قانون تثبیت نگردد، صلح بوجود نمی‌آید."

3) تحقق رونق اقتصادی و عدالت اجتماعی

بسیاری از افغان‌ها تأکید بر ارتباط میان صلح و امنیت و انکشاف داشتند. آنها می‌گفتند که اگر اقتصاد بهبود یابد می‌تواند امنیت را تقویت کند و به تبع آن امنیت خوب، رشد اقتصادی را تقویت می‌کند. مردم در سراسر افغانستان تأکید داشتند تحقق انکشاف اقتصادی متوازن یکی از مقتضیات صلح پایدار در افغانستان می‌باشد. فقر، رشد بطئی و نامتوازن اقتصادی از لحاظ منطقه‌ای، بی‌کاری فراگیر، عدم توازن در تخصیص منابع و فساد گسترده مشکلاتی می‌باشند که دولت افغانستان نتوانسته در طی ده سال گذشته به آن رسیدگی نماید که در نتیجه ارائه خدمات عامه را به شدت متأثر ساخته است. اکثریت مردم به این عقیده بودند که صلح پایدار بدست نمی‌آید مادام که وضعیت اقتصادی مردم عادی افغانستان بهبود واقعی نیابد. منحصت یک معلم یکی از اشتراک کنندگان در ولایت تخار گفت "نابرابری خود دلیل برای ناامنی می‌باشد".

یک طالب که جدیداً به پروسه صلح در ولایت بلخ پیوسته است ارتباط میان صلح و انکشاف و امنیت را طور ذیل بیان داشت:

"من برای دو سال بدون حمایت پاکستان به حمایت مردم محل طالب بودم. در این اواخر زمانی که متوجه دخالت پاکستان، مخصوصاً فرمان آن به طالبان برای قتل بزرگان قومی شدم، تصمیم گرفتم که به دولت افغانستان بپیوندم. در منطقه‌ای که من زندگی می‌کنم برق ندارد، آب ندارد، کلینیک صحتی ندارد. من امیدوارم که دولت به مردم من توجه نموده و ما را کمک کند تا امکانات لازم را بسازیم".

بعضی مردم، مخصوصاً در مناطق نسبتاً امن به انکشافات از قبیل تأسیس مکاتب و ساختن جاده‌ها و شفاخانه‌ها در سراسر کشور اذعان نمود. یک معلم زن در ولایت فاریاب گفت:

سه دهه جنگ تمام زیرساخت‌های افغانستان را ویران کرده است؛ اما خوشبختانه که بعد از سقوط رژیم طالبان، افغان‌ها دولتی را تأسیس نمودند که سازمان ملل متحد آن را حمایت نمود تا تمام نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را از نو بسازد. تا حال ما شاهد انکشافات در تمام عرصه‌ها بودیم. به طور مثال تأسیس دولت مرکزی، تدوین قانون اساسی جدید و مدرن، ساختن پولیس ملی و اردوی ملی و تجهیز آنها با امکانات نظامی مدرن و آموزش دادن آنها بعضی از پیشرفت‌های عمده می‌باشد که بدست آمده است. برعلاوه هزاران پل، مکتب، کلینیک صحتی و جاده در افغانستان ساخته شده است. در عرصه ارتباطات، امروز ما شرکت‌های مختلف موبایل داریم و اینترنت در تمام شهرهای کشور در دسترس می‌باشد. آزادی بیان یک دستاورد بزرگ دیگر می‌باشد. ... این به ساختن تلویزیونهای خصوصی و رادیوهای خصوصی منجر شده که افغانها را در حق دسترسی به اطلاعات کمک می‌کنند".

تعداد کثیری از اشتراک کنندگان گفتند که با وجود اینکه پیشرفتهایی حاصل گردیده ولی این پیشرفتها متناسب به میلیاردها دالری که جامعه جهانی در طی ده سال گذشته کمک و مصرف کرد، نمی‌باشد. زنان و مردان در سراسر افغانستان گفتند که پیشرفتها نباید تنها از لحاظ کمیت ارائه خدمات مانند تعداد مکاتب و کلینیک‌های ساخته شده سنجش شود، بلکه باید از لحاظ کیفیت ارائه این خدمات اساسی که بسیار پائین از لحاظ رضایت بخشی قرار دارد، نیز سنجیده شود.

مردم در ولایت تخار گفتند که در جریان ده سال گذشته، بسیاری مکاتب، شفاخانه‌ها و کلینیک‌های صحتی ساخته شده‌اند، اما دسترسی به تعلیم و تربیت و خدمات صحتی به دلیل فقدان معلمین و داکتران مسکلی، به مخاطره افتاده است. به همین شکل، در ولایت بامیان (مرکز ولایت) مردم گفتند که آنها فقط یک شفاخانه دارند که فاقد داکتران مسکلی و دارو و روشن مسکلی می‌باشد که کیفیت خدماتی را که آنها می‌توانند به آن دسترسی داشته باشد، متأثر می‌سازد.

در جریان بسیاری از مباحثات، یک تقسیم بندی بین انکشافات شهری و روستایی نیز مطرح گردید. اشتراک کنندگان گفتند دسترسی به خدمات اساسی بسیار محدود می‌باشد، مخصوصاً در مناطق روستایی، به دلیل اینکه انکشاف مراکز شهری در اولویت قرار می‌گیرد و در نتیجه دولت برای بهبود وضعیت زندگی آنها اقدامات کافی انجام نمی‌دهد. یک نرس از ولایت بغلان نظری را اظهار نمود که در جریان مباحثات در سراسر کشور نیز ابراز گردید:

"دولت باید خدمات صحتی را برای تمام مردم افغانستان به طور مساویانه ارائه نماید. در بسیاری از مناطق افغانستان مردم به خدمات اساسی صحتی دسترسی ندارند که در نتیجه تعداد زیاد اطفال و مادران جان خود را از دست می‌دهند".

در بعضی نقاط مثلاً نورستان، ناامنی توأم با حاکمیت محدود دولت منجر به این گردیده است که پروژه‌های انکشافی در آن ولایت تطبیق نگردد و دسترسی مردم به خدمات عامه به شدت متأثر گردد. مردم قویاً گفتند که این وضعیت نه تنها برخورداری از حقوق اولیه را متأثر ساخته بلکه نارضایتی مردم را نیز برانگیخته که منجر به افزایش فاصله بین دولت و مردم محل گردیده که زمینه را برای استخدام توسط شورشیان مساعد ساخته است.

یک عالم دینی وضعیت ولایت نورستان را چنین توضیح می‌دهد:

«هیچ پیشرفتی در نورستان نیست. نه جاده، نه برق، نه تحصیل و نه امکانات صحتی وجود ندارد. حاکمیت قانون وجود ندارد. هیچ آموزش وجود ندارد و 99 فیصد مردم بی‌سواد هستند.»

یک معلم لیسبه در نورستان اضافه می‌کند که «شورشیان فرزندان ما را شستشوی مغزی داده و به آنها یاد می‌دهند که جنگ در افغانستان درست است.»

به همین نحو، در ولایت ارزگان مردم شرایطی را که در آن زندگی می‌کنند توضیح دادند، مانند فقدان بازاری برای خرید و فروش محصولات محلی به دلیل وضعیت بد جاده‌های ولسوالی‌ها، در دسترس نبودن مراقبت‌های صحی کافی و نظام ضعیف آموزشی به شمول ظرفیت پایین معلمان. مردم اظهار تاسف کردند که چنین شرایط مردم را بیش از پیش از حکومت دور کرده است. چنین دیدگاهی در سراسر کشور طنین انداز است، اما مخصوصاً در مناطقی جنگ‌زده که در آنجا اقتدار و کنترل دولت محدود است، بیشتر شنیده می‌شود.

بعضی از مردم خاطر نشان ساختند که حکومت کمک‌های انکشافی را به طور یکسان به همه بخشهای کشور تقسیم نکرده است و این نابرابری را به برتری‌های قومی نسبت دادند. اعضای جامعه در بامیان به خصوص نسبت به این عدم تناسب حساس هستند. یکی از ساکنان بامیان گفت که مقدار بسیار زیادی پول خرج انکشاف در ولایات ناامن می‌شود؛ جایی که گروه‌های شورشی آنها را خراب می‌کنند، «در حالیکه در بامیان، که امنیت خوب دارد، هیچ کاری انجام نشده است. به دلیل همین موضوع قومیت، مردم بامیان منزوی نگذاشته شده‌اند».

طی تعدادی دیگر از بحث‌ها مردم از نیاز به «انکشاف متوازن» سخن گفتند.

مردان و زنان در بعضی بحث‌های گروهی گفتند که دولتهای مرکزی و محلی عموماً غیر موثر و بریده از نیازهای واقعی مردم دیده می‌شوند. بسیاری بیان کردند که فساد، خویش و قوم پرستی درون نهادها و جنگ سالاری در بعضی از قسمت‌های کشور اقتدار نهادها را از بین برده و انکشاف اقتصادی را عقیم گذاشته است. در سراسر کشور مردم پیاپی خشم خود را نسبت به سطح فساد که مانع زیرساختها و خدمات برای آنها شده، اظهار داشتند. همانطور که یک منشی در ولسوالی بهسود ولایت ننگرهار خاطر نشان می‌سازد:

«ما نیازمند امنیت، آموزش و خدمات باکیفیت هستیم. زراعت باید انکشاف یابد. مقدار پولی که حکومت برای هر ولسوالی اختصاص داده به خانواده‌ها داده نمی‌شود، بلکه به وسیله مقامات محلی گرفته و به ملک‌ها (رهبران محلی) داده می‌شود که آنها هم آن را به جیب خود می‌گذارند.»

فساد در میان مقامات عمومی به عنوان دلیل اصلی فقدان پیشرفت و فقر بسیاری از افغان‌ها ذکر شد. یک ریش سفید از پل خمری نظر بیان شده به وسیله بسیاری از مردم را چنین برمی‌شمارد:

«علیرغم میلیاردها دالر کمک مالی که افغانستان طی ده سال گذشته دریافت کرده است، هنوز 75 فیصد جمعیت افغانستان زیر خطر فقر زندگی می‌کنند و هیچ تغییر مهمی در زندگی آنها نمایان نیست. بر عکس، تعداد مشخصی از افغان‌ها که به عنوان مقامات عالی‌رتبه در حکومت کار می‌کنند یا کار کرده‌اند، جنگ سالاران و قاچاقچیان مواد مخدر صاحبان موترها و تعمیرهای لوکس در افغانستان و خارج هستند.»

مردم در سراسر کشور از دولت خواستند که اقداماتی را برای مبارزه با فساد و مجازات کسانی که از آن سود برده‌اند، اتخاذ کند. آنها همچنین بیان کردند که جامعه بین المللی باید مطمئن شود که سرمایه اعطا شده به وسیله مقامات فاسد حکومتی مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد. در سراسر کشور، افغان‌های مشمول در برنامه گفتگوی مردم تصریح کردند که اگر وضعیت اقتصادی مردم عادی بهبود پیدا نکند، هیچ صلح پایداری نیز نمی‌تواند در کشور وجود داشته باشد.

4) حمایت و ترویج حقوق بشر

ترویج و حمایت از همه حقوق بشر به شمول حقوق زنان، و رفع تبعیض و خشونت علیه زنان مکرراً به عنوان یک جزء ضروری برای ایجاد افغانستان آرام و باثبات ذکر شده است. همچنین بسیاری از مردم بر حقوق اقلیت‌های قومی تاکید کردند. افغان‌ها مکرراً از ضرورت احترام، حمایت و ترویج حقوق بشر برای همه شهروندان، به خصوص حق تحصیل، مراقبت صحی کافی، استخدام و حق امنیت شخصی سخن گفتند.

به طور کلی این اجماع در سراسر کشور وجود داشت که در تحقق حقوق بشر، به خصوص حقوق زنان، پیشرفت حاصل شده است و اینکه مردم در آگاهی از حقوق خود بیشتر رشد کرده‌اند. در عین زمان، مردم از چالش‌ها و موانع بیشماری که مردم عادی را از دسترسی به حقوق شان باز می‌دارد، مانند فقدان حاکمیت قانون و دسترسی به عدالت (رک بخش حاکمیت قانون و عدالت)، سخن گفتند.

بعضی مردم، مثلاً در ولایت نیمروز، بیان کردند که - با توجه به اهمیت زنان و این واقعیت که زنان مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند- نیاز است که حقوق زنان به عنوان یک اولویت مرّج باشد. مردان و زنان در سراسر کشور اعتراف داشتند که حقوق زنان مورد احترام و حمایت کافی قرار نمی‌گیرد. یک عضو شورای علما در کنر نظر اکثر مردم درگیر در پروسه صلح را چنین بیان کرد:

«ضروری است تا در مورد حقوق زنان بیشتر فکر شود. ضروری است تا قوانین داخلی‌ای را که زنان و مردان را در مقابل قانون برابر می‌داند اجرا کرد. حکومت باید حق کار را برای هر دو فراهم نماید.»

به همین صورت یک حقوقدان زن از ولایت بغلان نظر مشترک بسیاری از مشارکت کنندگان را بیان کرد:

«همه شهروندان افغان به شمول زنان باید به نحو مساوی از سوی حکومت برخورد شود و آنها باید بتوانند از حقوق شهروندی خود به صورت فردی بهره‌مند شوند، نه بر اساس جنسیت، قبیله یا گروه قومی‌شان؛ زنان نباید به عنوان شهروندان درجه دو به حساب آمده و ظاهر شدن آنها در امور اجتماعی و سیاسی نباید سمبولیک یا مبتنی بر جنسیت‌شان باشد؛ آنها باید در همه عرصه‌های زندگی توانمند شوند و همه استانداردهای حقوق بشری باید به وسیله مقامات مجری قانون مورد احترام قرار گیرد.»

در طول بحث‌ها آشکار بود که تعدادی از افغان‌ها از هدف حقوق بشر برای خود و برای جامعه‌شان آگاه نبودند. بسیاری از مردم از ضرورت تضمین حقوق برابر برای افغان‌ها صرف‌نظر از قومیت، جنسیت یا موقعیت جغرافیایی سخن گفتند و بر مطابقت حقوق بشر جهانی با مبانی اعتقادات اسلامی تاکید کردند.

دیگران، اما، گفتند که حقوق بشر یک امر وارداتی بوده و یک «وسیله استعماری» است که با اجرای فرهنگ سنتی ناسازگار است. تعدادی از مردم از ضرورت ابتکارات افزایش سطح آگاهی عامه سخن گفتند که باید هدف آن مردم عادی و اعضای ذی‌نفع جامعه به خصوص در مناطق دور افتاده باشد.

تقریباً همه مردمی که در گفتگو شرکت داشتند، به نوعی به عدالت و یا پاسخگویی برای خاتمه دادن به بیش از سه دهه درگیری علاقه نشان دادند. با این همه هنوز هم اقلیت کوچکی از مشارکت کنندگان ترس خود را اظهار داشتند که تحقیق، تعقیب و مجازات جرائم سابقه به بی‌ثباتی بیشتر و طولانی‌تر شدن درگیری منجر خواهد شد. نظر یکی از اعضای جامعه از ولایت فراه این دیدگاه را چنین بیان می‌دارد:

«موقعیکه ما اجرای عدالت برای جرائم سابقه را شروع کنیم، ما به صلح نمی‌رسیم؛ ما گذشته را جستجو کرده و تبعیض را پیدا خواهیم کرد. باید اتحاد باشد. ما نمی‌توانیم جرائم گذشته را کاوش کنیم؛ چنین کاری وضعیت را بدتر خواهد کرد.»

البته یک اجماع عمومی وجود داشت که برای کسانی که جرائم جدی مانند جرائم علیه بشریت و نقض فاحش حقوق بشر را مرتکب شدند، نباید معافیت از مجازات وجود داشته باشد. در شمال شرق کشور، به عنوان مثال، بسیاری از مردم از ضرورت عدالت اجتماعی سخن گفته و بیان داشتند که نباید برای کسانی که مرتکب نقض فاحش حقوق بشر در سراسر گذشته ناآرام افغانستان شده‌اند، معافیت از مجازات وجود داشته باشد. در ولایت لوگر مردم تاکید کردند که «همه جنگسالاران باید مجازات شوند». چنین نظریاتی در همه بحث‌ها در سراسر افغانستان نمایان بود.

۱۷. چگونگی دستیابی به صلح و مصالحه

نیاز به شامل کردن شورشیان و طالبان در اعمار صلح

هر چند بسیاری از مردمی که در برنامه گفتگوی مردم شرکت کرده بودند، تردید در مورد موفقیت احتمالی هر پروسه صلحی را ابراز داشتند، انتظار عمومی این است که حکومت باید برای ختم درگیری و ایجاد صلح پایدار تلاش نماید. علاوه بر مولفه‌های ضروری‌ای مانند امنیت، حاکمیت قانون، پیشرفت اقتصادی و انکشاف و حمایت و ترویج حقوق بشر، نظر عمده بیش از 1500 نفر از کسانی که در گفتگو شرکت داشتند این است که شامل کردن شورشیان، به شمول طالبان، در ابتکارات صلح سازی ضروری است. بسیاری همچنین گفتند که بعضی از اعضای طالبان باید در کنفرانس بن دعوت شوند.

جملات زیر نظریات بیان شده در بسیاری از بحث‌ها را منعکس می‌سازد:

گفتمان مردم افغانستان پیرامون صلح

«حکومت باید با شورشیان گفتگو کرده و نظر آنان را برای توقف جنگ در افغانستان داشته باشد. ما ترجیح می‌دهیم که نمایندگانی از طرف شورشیان همانند طرف حکومت افغانستان داشته باشیم، زیرا این تنها شانس گفتگوی صادقانه برای صلح و مصالحه در افغانستان است.» (عضو جامعه، ولایت کندز)

«مصالحه ملی وسیله‌ای برای ایجاد صلح عادلانه و پایدار در افغانستان است. من از دولت افغانستان انتظار دارم که یک حکومت قانونمند ایجاد نماید که به طور شفاف عمل نموده و به مردم پاسخگو باشد. حکومت باید فساد و قانون شکنی‌ها را در این سیستم از بین ببرد. من از شورشیان، به عنوان مسلمانان، انتظار دارم که به پروسه صلح و مصالحه در افغانستان بپیوندند.» (یک نماینده زن از جامعه مدنی، ولایت فاریاب)

در حالیکه مردم بیان کردند که حکومت باید همه اقدامات ضروری برای دستیابی به صلح را تا جایی اتخاذ نماید که چنین اقداماتی مبتنی بر منافع همه گروه‌های قومی افغانستان است، آنها همچنین گفتند که هر گفتگویی با گروه‌هایی مانند طالبان باید دستاوردهای یک دهه اخیر، مانند پیشرفت در حمایت از حقوق زنان را مورد حمایت قرار دهد.

تعدادی از مردان و زنان بیان کردند که شورشیان در موقعیتی نیستند که با حکومت مذاکره کنند- آنها حمایت خود از پالیسی "گفتگو با پاکستان" به عنوان وسیله گفتگو با طالبان را بیان داشتند.

نیاز به شامل کردن مردم عادی افغانستان در پروسه صلح

مردم در سراسر کشور گفتن که حکومت نیازمند حمایت مردم افغانستان است تا به صلح معنادار و پایدار برسد؛ همبستگی و همکاری متقابل بین حکومت و مردم افغانستان ضروری است.

مردان، زنان و جوانان از هر طبقه‌ای حمایت و تعهد خود مبنی بر کوشش برای صلح را ابراز داشتند. ژورنالیستان در جنوب شرق از نقشی که آنها می‌توانند در افزایش آگاهی داشته باشند، سخن گفتند. یک شاعر و نویسنده زن گفت که او می‌خواهد تا «موضوع صلح را در هجوتنامه‌ها، شعرها و داستان‌های کوتاه خود بگنجاند تا مردم را به فهم فوائد صلح و غمناکی جنگ تشویق نماید.»

جوانان و معلمان نیز به همین نحو گفتند که آنها می‌توانند موضوعات مربوطه را در کلاس‌های درس در سراسر کشور مطرح کنند، همانطور که به وسیله یک محصل از ولایت کندز چنین به خوبی بیان شده است:

«افراد تحصیل کرده و به خصوص محصلین پوهنتون‌ها ستون فقرات جامعه ما هستند. ما آماده‌ایم تا در همه جنبه‌های زندگی و انکشاف جامعه خود، و نه فقط صلح و امنیت، شرکت نماییم. ما هستیم که آینده افغانستان را می‌سازیم.»

محصلین پوهنتون اسد آباد، ولایت کنر، همچنین از جوانان چنین تقاضا نمودند:

«آگاهی در مکاتب و پوهنتون‌ها را افزایش دهند و دیگران را دعوت به پیوستن به پروسه صلح کنند به این هدف که دستاوردهای ده سال اخیر از بین نرود. جوانان می‌توانند صدای خود را علیه حکومتداری ضعیف و فقدان حاکمیت قانون برای تضمین حقوق بشر برای همه بلند نمایند. باید فرصت‌های کار برای همه و مخصوصاً برای آنهایی باشد که خیلی فقیر هستند تا از پیوستن آنان به شورشیان جلوگیری شود.»

بسیاری از مردم رهبران دینی را به عنوان کسانی که می‌توانند پروسه صلح را سرعت بخشند، می‌شناسند. یک فعال اجتماعی مرد از پکتیکا توضیح داد: «جامعه ما یک جامعه سنتی و مذهبی است. ما به سخنان علما بهتر گوش می‌دهیم. اگر آنها در مورد صلح سخن بگویند، موثرتر خواهد بود.»

رهبران مذهبی و بزرگان نیز آمادگی خود را برای مشارکت فعال در پروسه صلح و ساختن پل بین بخش‌های مختلف جامعه برای دسترسی به شورشیان و نیز آموزش مردم در رابطه با معنای صلح اعلام داشتند. یک ملا از پل خمری بیان کرد:

«آنها (رهبران مذهبی) می‌توانند به آسانی وضعیت را با تشویق مردم به مشارکت در پروسه صلح و با استفاده از نفوذشان در نصیحت کردن پیروانشان، به خصوص آنهایی که در جنگ هستند، مبنی بر توقف اختلاف و بخشش یکدیگر تغییر دهند و این راهی است که ما می‌توانیم به وحدت ملی در سطح کشور برسیم.»

طی بعضی بحث‌ها در جنوب، تعدادی از مردان گفتند که فقط جامعه جهانی در وضعیتی است که می‌توانست صلح را حفظ نماید. این نظریه در سراسر کشور مشترک نبود.

در دیگر مناطق مردم گفتند که آنها آماده و مشتاق هستند تا در مذاکرات صلح همکاری نمایند، اما بیان کردند که حمایت آنها از صلح در گذشته یک اقدام خطرناک بوده است. یک بزرگ قومی از ولسوالی دنگام ولایت کنر تصریح کرد که جامعه وی «آماده است تا صلح را تقویت نماید، اما ما نیازمند حمایت حکومت هستیم. ما می‌توانیم با طالبان مذاکره کنیم اما حکومت و نیروهای نظامی بین المللی از ما نمی‌خواهند تا چنین کاری کنیم. ما قبلا این را تجربه کردیم و بعضی بزرگان قومی بازداشت شدند. حکومت ما را اندک زمانی پس از دعوت‌مان از طالبان به صلح بازداشت خواهد کرد.»

تعدادی از مردم از نقش مهمی که رهبران دینی، رهبران جامعه، بزرگان و دیگران می‌توانند در ابتکارات صلح بازی کنند، سخن گفتند اما خاطر نشان ساختند که حکومت به آنها نه صلاحیت مذاکره با شورشیان را داده و نه در مقابل تهدید شورشیان به ترور آنها از ایشان حمایت می‌کند.

در سراسر کشور مردم بر این عقیده بودند که حکومت تنها از طریق بکارگیری فعال مردم و مشارکت آنها در پروسه صلح دست یابد.

نیاز به شامل کردن زنان در پروسه صلح و حمایت از حقوق زنان

زنان افغان گفتند که آنها بالاترین هزینه را در مخاصمه حاضر می‌پردازند، زیرا آنها به همراه کودکان از آسیب‌پذیرترین گروه نمایندگی می‌کنند. زنان بر این اعتقاد بودند که هیچ صلح پایداری وجود نخواهد داشت اگر زنان به صورت فعال در همه جنبه‌های پروسه صلح شامل نشوند. یک معلم از جلال آباد از مشارکت گسترده زنان در زندگی اجتماعی به عنوان یک راه ممکن برای دنبال کردن صلح سخن گفت:

«وقتی که زنان تحصیل کرده باشند و جزئی از شورای ولایتی، ولسی جرگه، مشرانو جرگه یا حتی توسط حکومت استخدام شوند، آنها می‌توانند برای گسترش پروسه صلح کار کنند.»

بسیاری از مردان و زنان موافق بودند که باید به زنان مشارکت مهمی در پروسه صلح پیشنهاد شود. رئیس یک سازمان مربوط به حقوق افراد معلول در مهترلام ولایت لغمان نظر خود را که در تعداد دیگری از بحث‌ها نیز منعکس شده، چنین بیان کرد:

«در فرهنگ پشتون، مشارکت زنان در همه موضوعات پذیرفته شده است و به خصوص زمانی مفید است که دو گروه رقیب با یکدیگر می‌جنگند. زنان مداخله می‌کنند و دو طرف فوراً توافق می‌کنند که مخاصمه را متوقف کنند. زنان افغان، تاریخی از نمایش-های شجاعانه در جنگ داشته‌اند.»

تعدادی از زنان همچنین تمایل خود را برای مشارکت در پروسه ترویج صلح در درون خانواده‌های خود اعلام داشتند. یک زن معلم از کنر گفت:

«اگر زنان از پروسه آگاه‌تر باشند و در کمپین صلح شرکت کنند، آنها می‌توانند فرزندان، شوهران و دیگر اعضای خانواده‌شان را متقاعد کنند که شورش را ترک کرده یا مورد حمایت قرار ندهند و در فعالیت‌های ترویج صلح شامل شوند.»

یک محصل زن در فیض آباد ولایت بدخشان بیان کرد که زنان به طور عام و زنان تحصیل کرده به طور خاص می‌توانند با دفاع از شامل نمودن زنان در محیط اجتماعی، مشارکت سیاسی زنان و نیز با دفاع از آموزش دادن خانواده‌های خود در رابطه با مفهوم صلح در پروسه صلح مشارکت کنند.

یک زن عضو انجمن جوانان افغان از جلال آباد اضافه کرد که «هر یکی از ما باید برای وحدت ملی سخت تلاش نموده و پیام صلح را با دیگران در میان بگذاریم. اگر هر یک از ما این پیام را حداقل به یک نفر انتقال دهیم و از او نیز چنین چیزی را بخواهیم، پیام ما به بسیاری از مردم خواهد رسید.» مشارکت کنندگان نظریات مشابهی را در بحث‌های بی‌شمار در سراسر کشور بیان کردند.

بسیاری از زنان اهمیت شامل کردن طالبان در مذاکرات را به عنوان بخشی از راه حل پایدار مورد تاکید قرار دادند، اما به شدت تاکید کردند که مذاکرات و شامل کردن شورشیان در پروسه صلح نباید حقوق آنها را که طی سالیان اخیر به آن نائل شده‌اند، تحت تاثیر قرار دهد. چنانکه یک زن شاعر از قندهار چنین می‌گوید:

«طالبان باید جزئی از کنفرانس بن باشند اما باید تضمین شود که آموزش برای زنان تا حد زیادی مورد حمایت می‌شود. مهم است که زنان و همه شهروندان افغانستان حق بر آموزش، کار، آزادی بیان و دیگر حقوق مدنی و سیاسی حمایت شده در قوانین داخلی و بین‌المللی دارند.»

در سراسر کشور مردان و زنان گفتند که هیچ معامله‌ای نباید با شورشیان در موضوعات مرتبط با حقوق زنان انجام شود و حق آموزش زنان باید مورد حمایت قرار گیرد. زنان باید اجازه یابند تا کار کنند، در اجتماع حاضر شوند و آزادی رفت و آمد داشته باشند.

خصوصیات مجریان پروسه صلح: بی‌طرف، درستکار، مستقل، آگاه در مورد صلح و جنگسالار نبودن
بسیاری از مردان و زنان درگیر در بحث‌های برنامه‌گفتگوی مردم گفتند که شخصی که درگیر در پروسه صلح است باید بیطرف، درستکار، آبرومند، آگاه در مورد صلح، مستقل - نه جاسوس کشورهای بیگانه-، صاحب نفوذ در قلمرو کاری خود و آگاه از مشکلات محلی باشد.

این مسئله مکرراً مورد تاکید قرار گرفت که آنهایی که شامل هستند باید به عنوان نمایندگان مشروع جوامع دیده شده و آنها باید حاکمیت قانون را احترام بگذارند. بسیاری‌ها تاکید کردند که تمرکز نباید فقط به سطح کابل باشد و شهروندان از همه ولایات باید جزئی از پروسه باشند افغان‌های زیادی گفتند که زنان باید نقش مساوی با مردان در اعمار صلح داشته باشند.

. تعدادی از مردم در سرتاسر کشور مخالفت جدی خود را با شمول «جنگسالاران، مجرمان و مقامات فاسد حکومتی» و آنهایی که «دستشان به خون آلوده شده است» نشان داده و نخستین کنفرانس بن در مورد افغانستان را به دلیل شامل کردن جنگسالاران مورد انتقاد قرار دادند.

در جنوب، تعدادی از مردان شکایت داشتند که آنهایی که فعلاً درگیر در پروسه صلح هستند در استمرار ناامنی منافع ثابت دارند: «ما نیاز داریم که کسانی که صلح برایشان مهم است درگیر در پروسه صلح شوند و نه آنهایی که اگر صلح بیاید باید به دست عدالت سپرده شوند. در حال حاضر کسانی که درگیر در پروسه صلح هستند کسانی هستند که برایشان ناامنی مانند آب برای ماهی است.»
در ولایت زابل اشتراک‌کنندگان یک بحث گروهی متشکل از مردان و زنان گفتند:

«کسانی که دستشان با خون غیرنظامیان بی‌گناه سرخ شده و کسانی که در گذشته مجرم بودند، موقعیت‌های بالا را در حکومت دارند، مانند وزراء، سناتورها، والیان و مقامات عالی رتبه حکومت. پروسه صلح باید تضمین نماید که آنهایی که مسئولیتی دارند نباید در آن نقش داشته باشند.»

به همان اندازه که مردم احساس می‌کردند که وضعیت رو به وخامت امنیت، بی‌ثباتی سیاسی، فقر و فقدان حاکمیت قانون و عدالت در افغانستان قابل انتساب به فساد، بی‌کفایتی و انگیزه‌های پنهانی «جنگسالاران، فرماندهان و دیگر افراد فاسدی که فعلاً موقعیت‌های رهبری دارند» است، به همان اندازه افغان‌ها بر این دیدگاه ثابت بودند که برای رسیدن به صلح پایدار، نقش چنین افراد در پروسه صلح باید محدود باشد. دیدگاه‌های یک بزرگ و نخبه قومی از ولسوالی شیندند ولایت هرات نظریاتی را که در سراسر کشور برشمرده شده، چنین در خود دارد:

«افغان‌ها معتقدند مردمانی که سی سال تجربه کشتار، سوء استفاده و استثمار مردم برای حفظ قدرت خود دارند، نباید شامل در پروسه صلح باشند. باید پاسخگویی جدی افرادی که فعلاً در قدرت هستند به اولویت بدل شود. چرا آنها این قدر زیاد پول دارند؟ ما در افغانستان عدالت اجتماعی نداریم، به این مردم نگاه کنید و این که چطور آنها از افغان‌های عادی می‌زدند.»

من فکر می‌کنم که اگر این مردم همچنان در نظام فعلی افغانستان باشند ما هرگز صلح نخواهیم داشت زیرا مردمی که این نظام را ساختند همان افرادی هستند که این وضعیت فعلی را برای افغانستان ایجاد کردند. آنها نمی‌توانند پروسه صلح برای این کشور را دنبال کنند.»

نتیجه گیری و سفارشات مردم

هدف گفتمان مردم اینست که در آن مردم عادی افغانستان اعم از مردان، زنان و جوانان بتوانند اطمینان حاصل نمایند که دیدگاه‌هایشان هم شنیده و هم در برنامه‌ها را برای رسیدن به صلح پایدار در افغانستان یکجا سازند. قسمی که در این گزارش تذکر رفت، یک برنامه فراگیر که بتواند نظریات مردم افغان را بشنود و آنها را در همه برنامه‌هایی که زندگی آنها را متأثر می‌سازد، دخیل سازد تا باشد که برای مردم فرصت داده شود تا بتوانند به آینده کشور خود کمک نمایند. بسیاری از افغان‌ها به تنظیم کننده‌گان گفتند که نخستین باری است که همچون مباحث جهت اخذ نظریات و دیده گایشان در مورد آنچه که تأثیر زیادت بر زندگی ایشان دارد، یعنی صلح امنیت و پاسخگویی حکومت در برابر مردم، پرسیده می‌شود.

مفهوم پاسخگو بودن و خواهش افغان‌های عادی برای پر کردن خلایی که آنها را از حکومت شان جدا ساخته قابل درک بود. بسیاری از اشتراک کنندگان خواهش داشتند که در موضوعات صلح و مبارزه علیه فساد اداری زیادت دخیل باشند. زن و مرد یکجا تأکید داشتند که به وحدت بیشتر، حمایت بهتر از آزادی‌های اقوام و احترام به حقوق مساوی زن و مرد در جامعه و ارتقای ظرفیت‌ها برای سهمگیری در جامعه نیاز است.

اشتراک کنندگان اظهار علاقمندی نمودند تا جامعه بین المللی نقش مهمی را که در جامعه‌شان بازی می‌نماید، ادامه داده، پروسه صلح را حمایت نموده، انکشاف مناطق روستایی و شهری افغانستان تقویت نمایند و در مورد چگونگی استعمال و مصرف کمک‌های داده شده خواهان پاسخگویی شوند. آنها اظهار داشتند که در منع مداخلات همسایگان افغانستان در مورد صلح و خاتمه منازعه جامعه جهانی نقش اساسی را دارد.

زنان و مردان همچنان در مورد نقشی که آنها برای جامعه مدنی می‌بینند، ضرورت صحبت نمودن فعالان در جانب‌داری از پاسخگویی و نیز در مورد حفاظت جامعه در برابر تبعیض، فساد اداری و آسیب صحبت کردند. این گفتمان به عنوان قدم اول برای جامعه مدنی فرض می‌شود که بتواند به طور فعال با مردم افغانستان در مورد نظریات آنها در رابطه به صلح و مسیر آینده جامعه افغانی مشوره نماید.

گفتمان مردم سفارشات زیر را به منظور تقویت مباحث آینده و برجسته ساختن صدا و نظریات مردم افغانستان در رابطه با توصیه‌های زیر ارائه می‌دارد:

سفارشات مردم :

به حکومت جمهوری اسلامی افغانستان

- ترویج یک برنامه وسیع پروسه صلح: اطمینان حاصل شود که مکانیزمی وجود داشته باشد تا بتواند مردم عادی افغان، بشمول زنان و جوانان، را دخیل و نظریات آنها اخذ نموده و این نظریات داخل تمام برنامه‌ها برای برقراری صلح پایدار و امنیت در افغانستان شود.
- جامعه مدنی را مورد حمایت قرار دهد تا پلی برای رفع خلاء بین حکومت و مردم باشد: برنامه‌های جامعه مدنی بمنظور بلند بردن سطح آگاهی مردم در رابطه به موضوعات صلح و امنیت - بشمول حقوق بشر { حقوق زنان، حقوق اقلیت های قومی } تقویت شود؛ پروگرام‌های مربوط به درخواست نظریات و آراء مردم عوام افغانستان و ایجاد برنامه‌های مربوط به ارتقا و توانمند ساختن جامعه مدنی تقویت شود.
- از افراد ملکی محافظت شود: بخاطر رفع ناامنی، براساس حقوق بشر دوستانه بین المللی، نیروهای نظامی افغان بکشوند تا از تلفات ملکی جلوگیری نموده و آن را به حداقل برسانند و نیز مطمئن شوند که تمام اقدامات لازم را در همه عملیات‌ها نسبت به قابل پذیرش بودن آن برای افغان‌ها و ارزش‌های فرهنگی آنها اتخاذ کنند.

- تلاش‌ها را برای برقراری صلح سرعت بخشند: دخیل نمودن شورشیان، بشمول طالبان در تلاش اعمار صلح، و حصول اطمینان از اینکه تمام تلاش‌ها بر اساس منافع همه مردم افغان، مردمان و زنان و جوانان، بوده و اطمینان حاصل شود که هر پروسه صلح توسط افغانها رهبری شود.
- اطمینان حاصل شود از اینکه مخصوصا زنان در همه اجتماعات و تشکیلات تصمیم‌گیر برای پیشرفت و همکاری صلح پایدار در افغانستان نمایندگی داشته باشند.
- یک پروژه وسیع ملی برای تشخیص ریشه های اساسی و عوامل بی ثباتی را اجرا نماید.
- یک استراتژی کامل و راهبرد حفظ صلح در افغانستان را با تعریف مشخص از اهدافی که تعهدات تمام همکاران را دارا باشد، برنامه ریزی نماید که این استراتژی باید بالای امنیت، پیشرفت اقتصادی، حاکمیت قانون، عدالت و حقوق بشر به عنوان ایجاد مولفه های مهم صلح پایدار تمرکز داشته باشد.
- ابتکارات هدفمندی را جهت از بین بردن فساد اداری که نگرانی فرارگیر بوده، امنیت، پیشرفت اقتصادی، فرصت های افراد برنامه ریزی نماید. نهادهای عدلی و نافذین قانون را مشخصا در اولویت عاجل هدف قرار دهد و بر ارتقای توانایی‌های افراد، اصلاحات نهادها و دورنمودن افرادی که سوء استفاده از قدرت نموده و مشخص شده که در فساد اداری دخیل می‌باشند، تمرکز نماید.
- بر تطبیق قانون با تاکید بر مناطق روستایی و ولسوالی‌ها و برنامه‌های خاصی که هدف آن تطبیق قانونی که حقوق زنان را حمایت و تقویت می بخشد، تمرکز نماید.
- بالابردن توانایی‌های نیروهای نظامی افغان و بالابردن سطح توانایی نیروهای نظامی و رهبری‌شان و وادار نمودن رهبری‌شان به پاسخگویی را در اولویت قرار دهد.
- از انکشاف متوازی که تمرکز بالای روستاها و ولسوالی‌ها داشته و شامل تمام اصناف اقوام افغانستان باشد، اطمینان حاصل نماید. انکشاف را هدف قرار داده و بر ارائه خدمات، از جمله خدمات صحتی و تعلیمی تمرکز نماید.
- ارزش‌های حقوق بشری را در همه تلاش‌ها برای مذاکراتی که به منظور مصالحه و ایجاد صلح پایدار صورت می‌گیرد را مراقبت نماید و مخصوصا اطمینان حاصل نماید که دست آوردهای حقوق بشری که حاصل شده، و به ویژه حقوق زنان و دختران افغان، تضمین شده و قربانی هیچ تلاش صلح نشود.
- از اینکه برای مجرمین جنگی، جرائم علیه بشریت و عوامل تخطی‌های بزرگ حقوق بشری هیچ معافیت وجود نداشته باشد، اطمینان حاصل کند. حکومت اطمینان حاصل نماید که هر راهبرد صلح و مذاکره باید شامل راه‌های افشاء همه واقعبیت‌ها از همه دوره های منازعه در افغانستان، بر اساس خواست افغان‌ها و به ویژه قربانیان جنگ باشد.
- اطمینان حاصل شود که هر شخصی که در اعمار صلح دخیل می‌گردد نمایندگان مشروع همه اقشار جامعه، بشمول زنان و اشخاص واقعی و مستقل که در هیچ منازعات در افغانستان دخیل نبوده‌اند، باشد.

به جامعه جهانی

- حکومت جمهوری اسلامی افغانستان را تقویت نمایند تا تمام پیشنهاداتی را که قبلا تذکر رفت تطبیق نماید به این منظور که خلاء موجود بین حکومت، جامعه جهانی و مردم پر شود.
- جامعه مدنی افغانستان را بخاطر رفع خلاء موجود بین حکومت، جامعه جهانی و مردم تقویت نماید: پروگرام‌های جامعه مدنی که هدف آن بالا بردن آگاهی در رابطه با موضوعات صلح و امنیت، بشمول حقوق بشر {حقوق زنان، حقوق اقلیت های قومی} و پروگرام‌های درخواست نظریات و آراء عموم افغان‌ها تقویت شود و برنامه‌ها برای بلند بردن و توانمند ساختن جامعه مدنی تقویت شود.
- اطمینان حاصل کند که صدای تمام مردم افغان شنیده شده و در همه تصمیم گیری‌ها بشمول کنفرانس بن منعکس شده، و مردم عوام برای دخیل شدن در پروسه صلح توانمند شوند.
- از افراد ملکی حفاظت شود: همگام با حقوق بین المللی بشر، نیروهای نظامی بین المللی باید اقدامات ضروری را به منظور توقف تلاشی‌ها در عملیات شبانه اتخاذ نمایند.

- تلاش‌های دیپلماتیک را به منظور حصول اطمینان از اینکه کشورهای همسایه نباید در امور داخلی افغانستان مداخله نمایند افزایش دهد، خاصاً بالای پاکستان فشار وارد شود تا از دادن پناهگاه امن خودداری کرده و با شورشیان همکاری نکند.
- اطمینان حاصل کند که تمام کمک‌های دوزرها به دست استفاده‌کنندگان مورد نظر برسد؛ پروگرام‌هایی را که بالای دهات و قریه جات دور تمرکز دارد، تمویل کند؛ اطمینان حاصل کند که کمک‌ها نتایج غیر مقصود، مانند تمویل منازعه و جدایی اقوام از یکدیگر نداشته باشد؛ معیار کمک مفیدیت از لحاظ کیفیت باشد نه از لحاظ کمیت و تمرکز بر انکشاف بر اساس ضرورت‌های مردم باشد؛ از طریق میکانیزم مناسب اطمینان حاصل شود که سرمایه اهداء شده مورد سوء استفاده قرار نگیرد و کسانی که این وجوه را مورد سوء استفاده قرار دهند مجازات شده و از مناصب‌شان برکنار شوند.
- یک دیدگاه روشن/ راهبردی برای تامین صلح و آشتی ملی حکومت افغانستان حمایت شود به صورتیکه تمام اعضای جامعه بین‌المللی که در افغانستان دخیل هستند، به آن وفادار بوده و کدام رقابت منافع و یا اجندایی نباشد.
- از تمام برنامه‌های صلح در رابطه با دست‌آوردهای حقوق بشری، بشمول حقوق زنان حمایت و نظارت نموده و اطمینان حاصل شود که حقوق بشر قربانی هیچ برنامه‌ای برای بدست آوردن صلح پایدار در افغانستان نشود؛ و اینکه منافع و ضرورت مردم مبنای هر راهبردی برای صلح را تشکیل دهد.
- از نمایندگی بیشتر زنان در تمام تشکیلات تصمیم‌گیر ایجاد شده بخاطر پیشرفت و همکاری صلح پایدار در افغانستان حمایت کند.
- بر پروسه صلح نظارت نماید تا اطمینان حاصل شود که کسانی که در اعمار صلح دخیل شده‌اند، نماینده‌های مشروع جامعه‌های خود، بشمول زنان، و نیز افراد واقعی و مستقل بوده و در هیچ مخاصمه‌ای در افغانستان دخیل نبودند.
- از پروسه صلح نظارت کند تا اطمینان حاصل شود که همگام با استانداردهای بین‌المللی، مصونیتی برای مجرمین جنگی، جرائم علیه بشریت و ناقضین بزرگ حقوق بشری وجود نداشته باشد.

به مخالفان مسلح

- حفاظت مردم ملکی : به قوانین جنگی احترام بگذارند ، هدف قراردادن مردم ملکی ، ساحات مسکونی ، محلات دینی ، شفاخانه ها و مکاتب را متوقف ساخته به عملیات های ترور خاتمه بدهند.
- با حکومت افغانستان بخاطر حصول صلح پایدار داخل گفتگو شوند.
- به نگرانی ها ، شکایات ، آرزو های مردم اعم از گروه های قومی، مردان، زنان و جوانان افغانستان گوش بدهند و آنرا در نظرگیرند.
- به حقوق بشری همه افغانها- خاصاً حق تعلیم همه گانی و مساوی برای پسران و دختران احترام بگذارند.

به جامعه مدنی افغانستان

- جامعه مدنی میان حکومت افغانستان و مردم وساطت نموده برنامه ریزی پروگرام ها بخاطر ارتقای سطح آگاهی در رابطه به موضوعات صلح و امنیت بشمول حقوق بشر { حقوق زنان، حقوق اقلیت های قومی } تقویت شود- پروگرام هاییرا بمنظور درخواست نظریات و آراء عامه افغانها و ایجاد برنامه ها برای بلند بردن و توانمند ساختن مردم محل ابداع نمایند.
- صدای عامه مردم افغانستان را بلند نمایند- اطمینان حاصل شود که نظریات مردان، زنان و جوانان بطور منظم انتقال یافته و در برنامه ها و تشکلات بمنظور حصول نهائی صلح در افغانستان بشمول کنفرانس بن منعکس شود، گفتگوی وسیع به سطح کشور با مردم را، با تمرکز خاص بالای دهات و مردم محلات دورافتاده با مشارکت زنان و جوانان را برآه اندازد.

- دادخواهی برای حمایت از افراد ملکی تا اطمینان حاصل شود که تمام گروپ های منازعه به قوانین بین المللی حقوق بشری وفادار بمانند.
- دادخواهی برای پایان دادن به جنگ و مذاکره و گفتگو با مخالفین مسلح .
- نظارت از تمام برنامه های صلح تا اطمینان حاصل شود که دست آورد های حقوق بشری بشمول حقوق زنان مورد تقویت و حمایت قرارگیرد- توسط برنامه های تبلیغاتی هدفمند اطمینان حاصل شود که حقوق بشر قربانی صلح پایدار در افغانستان نشود: از حقوق بشر بطور محور مرکزی فعال حمایت صورت گیرد و اطمینان حاصل شود که منافع و نیازمندی های مردم قالب اساسی راهبرد بخاطر صلح باشد.
- نظارت از پروسه صلح و حمایت برنامه های تبلیغاتی بخاطر حصول اطمینان براینکه کسانی که در اعمار صلح دخیل میشوند نماینده گان مشروع مجتمعات خود بوده، بشمول زنان و افراد واقعی و مستقل و کسانی که در منازعات افغانستان دخیل نیستند باشند.
- نظارت از پروسه صلح و حمایت ترویج خود ارادیت برای تضمین آنکه ، در مطابقت معیارهای بین المللی بوده ، معافیت از جرایم جنگی، جرایم ضد بشریت، یا تخطی های جدی حقوق بشری وجود نداشته باشد.
- حمایت از برنامه های اعمار صلح منطقی - ایجاد برنامه های تلاش بیشتر و تبلیغات با جوامع مدنی منطقه برای ایجاد شبکه جامع مدنی موثر منطقی، اخذ نظریات عوام مردم در رابطه به صلح و ثبات و حصول اطمینان از تبادله نظریات ، نگرانی ها، دلیل نارضایتی ها و تمایلات به هر ذریعه ممکن به سطح منطقه.